

عکس: نعیم احمدی / ایران

آرزوها و خواسته‌های مردم در جشن پیروزی

حال مردم خوب است

محمد معصومیان

دور مچ دستانش پارچه بنفش بسته و صدای بلندش از شادی می‌لرزد: «شب و روز کار ما شده بود تماس گرفتن با در و همسایه و دوست و آشنا که بیایند رأی بدهند. حالا باید بنشینیم و ببینیم آقای روحانی می‌تواند وعده‌های انتخاباتی‌اش را عملی کند یا نه؟» امیر سلامی، حدود ۴۰ سال دارد و با زن و بچه به خیابان ولیعصر(عج) آمده تا در جشن مردمی بعد از پیروزی حسن روحانی در انتخابات شرکت کند. چند قدمی که فاصله می‌گیرد دوباره شروع می‌کند به دست زدن و شعار دادن آن هم با صدای بلند: «روحانی دوستت داریم، روحانی دوستت داریم».

میدان ولیعصر و خیابان‌های اطراف از غروب روز شنبه مملو از جمعیت بود. جمعیتی که بعد از اعلام نتیجه آرا سر از پا نمی‌شناخت و بعد از چند هفته پر استرس حالا شاد و سرخوش از انتخابش به خیابان‌ها آمده بود. با مردم صحبت کردیم تا ببینیم حالا بعد از تمام شدن انتخابات چه حالی دارند و چه مطالباتی از دولت دوازدهم؟

خیابان کریم خان پر از ماشین است و صدای ضبط اتومبیل‌ها بلندتر از همیشه. «دوباره لبخند، دوباره پیوند»، «ای ایران، ای مرز پرگهر»، «فدای اشک و خنده تو، دل پر و رمنده تو»... صداهای درهم و برهمی که با بوق ماشین‌ها و موتورها و شعارها فضای خیابان را پر کرده. توی پیاده روها هم مردم زیادی در حال کف زدن و سوت زدن هستند. خیلی‌ها عکس حسن روحانی را بالای سر برده‌اند. دست‌ها را روبان‌های بنفش تزئین کرده است.

پشت دکه روزنامه فروشی در خیابان کریم خان، زن و شوهر جوانی به جمعیت نگاه می‌کنند. آنها هم مچ‌بند بنفش دارند؛ مات شور و هیجان جمعیت. حمیدرضا و ریحانه هر دو به حسن روحانی رأی داده‌اند و به قول خودشان امشب یکی از بهترین شب‌های زندگی مشترک ۵ ساله آنهاست. ریحانه می‌گوید: «راستش را بخواهی سال ۹۲ به اجبار رأی دادم اما امسال با عشق. آن روزها خیلی روحانی را نمی‌شناختم اما امسال دیدم که او هم در کنار عامه مردم قرار گرفت و شعارهایی داد که حرف دل خیلی از ما بود.» حمیدرضا ادامه می‌دهد: «هر دوتای ما از چند هفته قبل تصمیم گرفته بودیم اگر فرد دیگری رأی بیاورد، کم کم از ایران برویم. مطمئن بودیم هر کسی جز او بیاید سرخورده و ناامید می‌شویم.» از آنها می‌پرسم حالا که روحانی رئیس جمهوری شده، چه مطالباتی از او دارید و فکر می‌کنید رأی شما چقدر او را در پیگیری مطالبات توانمندتر از قبل کرده است؟ حمیدرضا می‌خندد و به شوخی می‌گوید: «حالا بگذار امشب را خوش بگذرانیم. مطالبات هم ان‌شاءالله از فردا.» ریحانه می‌گوید: «واقعاً باید به فکر مسائل اقتصادی باشد. به فکر قشر محرومی که واقعاً به یارانه احتیاج دارند؛ اولویت با آنهاست. یارانه اقشار مرفه را کامل حذف کنند و یارانه قشر محروم را چند برابر کنند. باید شغل بیشتری درست شود. من نمی‌دانم چطوری می‌شود این کار را کرد اما او باید از هر طریقی که هست در این چهار سال این کارها را بکند.»

روی پل کریم خان، بادکنک‌های بنفش از پنجره ماشین‌هایی که در ترافیک ایستاده‌اند، نمای خیابان را عوض کرده. چه چشم‌انداز زیبایی! بعضی شیشه‌ها را پایین کشیده‌اند و روی در ماشین نشسته‌اند؛ عکس روحانی در دست و لبخند بر لب. رو به روی کلیسای سرکیس مقدس، مردم زیادی توی پارک نشسته‌اند و همان طور که خستگی درمی‌کنند، با کف زدن‌ها جمعیت توی خیابان را تشویق می‌کنند.

چند مرد میانسال روی لبه جدول پارک نشسته‌اند. محمد عبدی و دوستانش از شهرری آمده‌اند تا در جشن شرکت کنند. عبدی پرستار بازنشسته است و حالا در بنگاه معاملات ملکی با دوستان و شرکایش کار می‌کند. او از اینکه رأی داده، احساس رضایت می‌کند: «راستش را بخواهی هیچ سالی مثل امسال رأی دادن به من این همه نچسبید. با اینکه کلی توی صف رأی ایستادیم، ولی پیروزی شیرینی به دست آمد.» او تعریف می‌کند که چقدر استرس داشته و چقدر برای روحانی تبلیغات کرده: «حسن روحانی اول باید به فکر جوان‌های بیکار باشد. باورتان نمی‌شود که من امسال چقدر جوان دیدم که از دل و جان برای رأی آوردنش مایه گذاشتند. باید به فکر شغل و آزادی‌های اجتماعی آنها باشد. همین جوان‌ها سال ۹۲ هم به صحنه آمدند و سرنوشت انتخابات را عوض کردند و حالا هم دوباره آمدند و خواسته‌های خودشان را مثل همیشه با صدای بلند گفتند. جوان‌هایی که مشکل کار و مسکن و ازدواج دارند.»

مجتبی زیاری که دوست عبدی است، می‌گوید: «بگویید به فکر مسکن هم باشد. وضعیت مسکن واقعاً راکد است. البته ما می‌دانیم کار ساده‌ای نیست ولی واقعاً اگر این بخش راه بیفتد اقتصاد کشور تکان می‌خورد.» آنها می‌گویند نیامده‌اند که شعار بدهند و بوق بزنند، بلکه آمده‌اند که شادی مردم را ببینند و شاد شوند.

خانم میانسالی که چادر مشکی به سر دارد و دست پسر ۱۵ ساله‌اش را گرفته، با عکسی از روحانی که در دست پسر است به زحمت لا به لای جمعیت راه باز می‌کنند و به سمت میدان ولیعصر می‌روند. پسر می‌گوید: «اگر رأی می‌دادم حتماً رأی‌ام به روحانی بود.» مادرش که مدیر مدرسه است می‌خندند: «مادر و بچه، هیچ‌کدام نمی‌توانیم خوشحالی‌مان را پنهان کنیم!» پروانه افشاری مدیر هنرستان است و بعد از اعلام پیروزی روحانی نتوانسته از خوشحالی در خانه‌بند شود. او تعریف می‌کند که چطور همکاران مدرسه‌اش از اینکه روحانی رأی آورده خوشحال شده‌اند: «دو خانم جوان که در مدرسه همکار ما هستند، امروز می‌گفتند در این دو هفته گوشت به تن‌مان نمانده بس که با مردم برای رأی دادن حرف زده‌ایم و تشویق به رأی دادن کرده‌ایم. واقعاً برای من جالب است که حتی سرایدار مدرسه ما با اینکه وضعیت اقتصادی خوبی ندارد و دوتا دختر تحصیلکرده بیکار در خانه دارد، تمام این مدت در حال تبلیغ بود. بعد از اعلام نتیجه هم از خوشحالی زنگ زد و تبریک گفت.» افشاری مطالباتش را به‌عنوان یک مدیر مدرسه این‌طور بیان می‌کند: «مسأله من بالا رفتن حقوق معلمین نیست که البته باید فکری به حالش کرد. من دوست دارم بگویم واقعاً ما در اداره مدرسه مشکل داریم چون سرانه مدارس مشکل دارد و بعضی وقت‌ها فکر می‌کنم با شعبده‌بازی مدرسه را اداره می‌کنم.»

دو پسر جوان با موهای بلند و لباس‌های رنگ روشن و کوله پشتی مشغول فیلم گرفتن از فشفشه‌هایی هستند که با صدای مهیبی در هوا منفجر می‌شوند. آرمین و دانا هر دو دانشجوی رشته گرافیک هستند و هم دانشگاهی. یکی بچه رشت است و دیگری اصفهان. دانا می‌گوید: «با کلی مکافات توی صف ایستادیم و رأی دادیم ولی به امشب و این خوشحالی می‌ارزید.» او در مورد مطالباتش از دولت دوازدهم می‌گوید: «به نظر من که البته خیلی هم کارشناسی نیست، باید اول همه تحریم‌ها را بردارد. توریست‌های بیشتری جذب کشور بشود و کسانی که خارج از ایران زندگی می‌کنند به کشور برگردند یا لااقل رفت و آمدشان راحت باشد. می‌دانید چقدر ایرانی با استعداد خارج از کشور زندگی می‌کنند؟» آرمین می‌گوید: «من خوشحالم از اینکه رأی دادم چون حس می‌کنم جزو جمعیت حداکثری در کشورم هستم و اگر بخواهم از لحاظ کاری بگویم چه مطالبه‌ای دارم اینکه رفت و آمد هنرمندهای دنیا به کشور زیاد شود. نمایشگاه بگذارند و بین آنها و ما گفت‌وگو ایجاد شود. دوم اینکه کاری کنند که ما به فکر رفتن از کشور نباشیم و همین‌جا بتوانیم راحت و آزاد کار کنیم.»

خیابان کریم خان به خاطر انبوه جمعیت یک طرفه است و یک سمت خیابان پارکینگ ماشین شده. مردم وسط میدان ولیعصر دور هم جمع شده‌اند و پایکوبی می‌کنند. عده‌ای شعار می‌دهند و بعضی‌ها پلاکاردهایی در دست دارند. با هر کس که حرف می‌زنم از دولت مطالبه‌ای دارد و به این امید رأی داده که به خواسته‌هایش برسد. البته هیچکدام انتظار معجزه از دولت ندارند اما امیدوارند لااقل بخشی از این خواسته‌ها در دولت دوازدهم به ثمر بنشیند

نیم نگاه

■ خیابان کریم خان به خاطر انبوه جمعیت یک طرفه است و یک سمت خیابان پارکینگ ماشین شده. مردم وسط میدان ولیعصر دور هم جمع شده‌اند و پایکوبی می‌کنند. عده‌ای شعار می‌دهند و بعضی‌ها پلاکاردهایی در دست دارند. با هر کس که حرف می‌زنم از دولت مطالبه‌ای دارد و به این امید رأی داده که به خواسته‌هایش برسد. البته هیچکدام انتظار معجزه از دولت ندارند اما امیدوارند لااقل بخشی از این خواسته‌ها در دولت دوازدهم به ثمر بنشیند

■ یک مدیر مدرسه: دو خانم جوان که در مدرسه همکار ما هستند، امروز می‌گفتند در این دو هفته گوشت به تن‌مان نمانده بس که با مردم برای رأی دادن حرف زده‌ایم و تشویق به رأی دادن کرده‌ایم. واقعا برای من جالب است که حتی سرایدار مدرسه ما با اینکه وضعیت اقتصادی خوبی ندارد و دوتا دختر تحصیلکرده بیکار در خانه دارد، تمام این مدت در حال تبلیغ بود. بعد از اعلام نتیجه هم از خوشحالی زنگ زد و تبریک گفت.

آقای رئیس‌جمهوری، همه ما تغییر کرده‌ایم

انتخاب میان راه و بیراه

محمد مطلق

آقای رئیس جمهوری! تا بار دیگر شما را به پاستور بفرستیم، مردیم و زنده شدیم؛ شب از وحشت آینده نخوابیدیم و روز، تن خسته و اعصاب به هم ریخته و سردرد بی‌امان خود را به خانه کشاندیم؛ غصه خوردیم، بحث کردیم، ناسزا شنیدیم، در گوشه گوشه دورترین شهرها و روستاها، چهره به چهره حرف زدیم و در کوچه پس کوچه‌های دنیای مجازی آنقدر فریاد کشیدیم تا صدایمان پژواک شود. آقای روحانی! با هر کسی که حرف می‌زنم آنقدر خسته است که دنبال یک هفته مرخصی برای تجدید قوا و تمدد اعصاب است؛ معلم، کارمند بانک، خبرنگار و شاید باور نکنید؛ کارمند شهرداری. در جشن شادی، لب‌ها خندان بود و چشم‌ها بی‌خواب. اهالی توئیتر، شب انتظار برای شمارش آرا را به انتظار پشت اتاق عمل تشبیه کردند، شب خوف و رجا. این داستان ماست؛ داستان مردمی که تشنه صلح و آزادی است.

آقای رئیس جمهوری! چقدر حرص خوردیم از اینکه در این ۴ سال گذشته، میزان خرابی‌ها و آسیب‌های به جا مانده از دولت پیش و آواربرداری‌های دولت یازدهم بخوبی گزارش نشد و همه چیز ماند به یادآوری‌های چند دقیقه‌ای در مناظره‌ها و آن هم از زبان خودتان. باور کنید خیلی‌ها هنوز بخوبی خبر ندارند دولت نهم و دهم چه شخمی زده. آنقدر به این پرسش تکراری «روحانی چکار کرده؟» جواب داده‌ایم که حالا در ذهن هر یک از ما بیانیه‌ای طولانی و طوماری بلند بالا ثبت است. چرا بیش از اندازه نجابت می‌کنید و نمی‌گویید. چرا هنوز کسی خبر ندارد شما در سواحل عمان چه کرده‌اید؟ چرا مردم نمی‌دانند عسلویه چگونه در حال بازگشت به روزهای رونق است؟ چرا باید از همه برنامه‌ها و پروژه‌های دولت برای حل معضل سد گتوند که دارد خاک خوزستان را به شوره‌زار تبدیل می‌کند، تنها جمله‌ای از زبان آقای جهانگیری در روزهای تبلیغات ریاست جمهوری شنیده باشیم؟

آقای رئیس جمهوری! ما قدر شما را به عنوان تنها پنجره‌ای که به سوی صلح و آزادی بود، دانستیم و وای اگر این پنجره بسته می‌شد. راستی اگر این پنجره بسته می‌شد، چه بلایی سر جامعه مدنی می‌آمد؟ بی‌اعتمادی جامعه به جامعه، و بی‌اعتمادی مردم به مردم، زخمی نیست که با یک گردش سیاسی التیام پیدا کند. ناامیدی متخصصان و کارشناسان و معلمان و تحصیلکردها و کارآفرینان خسارتی نیست که بشود در یک دوره ۴ ساله و ۵ ساله جبران کرد. آقای روحانی شما هم قدر ما را بدانید. قدر مردمی که بعد از اتمام سخنرانی شما در اهواز، اتوبوسی برای بازگشت نداشتند. همان‌هایی که فریاد زدند «ما که هوا نداریم، هنوز هواتو داریم» قدر جوانانی که در شرجی ساری و کولاک اردبیل، تنهای‌تان نگذاشتند. امروز روز مطالبه ما و مسئولیت شماست. همان‌طور که گفتید، این راه را باهم آغاز کرده‌ایم و با هم ادامه خواهیم داد. نگران راه نباشید؛ ما تنگناها را می‌شناسیم و گلوگاه‌ها را بلدیم اما به شما اعتماد داریم که مرد روزهای سخت و دشوارید.

آقای رئیس جمهوری! ما به شما رأی دادیم تا بتوانیم منتقد باشیم، بتوانیم کاستی‌ها را گوشزد کنیم و با احساس امنیت سخن بگوییم و بدانیم گوشی برای شنیدن هست و دیگر واژه متخصص و کارشناس، معادل وطن‌فروش نیست. ما در همین روزنامه که روزنامه دولت است، پیش از همه و بیش از گذشته شما را نقد خواهیم کرد. دوباره سراغ فقر و گرسنگی بشاگرد خواهیم رفت، سراغ تشنگی سیرجان، حاشیه‌نشینان اسلامشهر، هوای غبارآلود ونفسگیر اهواز، آلودگی آب‌های ماهشهر، فقر سیستان و بلوچستان، کولبران کردستان و آذربایجان غربی و مطالبات زنان و فرهنگیان.

آقای رئیس جمهوری! هم شما و هم رقیب شما سطح مطالبات جامعه را بالا بردید. شما مطالبه آزادی و حقوق شهروندی و توسعه زیربنایی را و رقیب شما معیشت‌خواهی و مطالبه نان را و حالا پاسخ به هر دو سوی این معادله پیچیده بر عهده شماست. کلمه‌ها در فضای سیاسی تبدیل به گفت و گو می‌شوند و گفت و گوها تبدیل به گفتمان. ما کلمه‌ها را شنیدیم و درباره تک تک آنها گفت و گو کردیم. یک سو غم نان و یک سو هوای آزادی. ما اگرچه آزادی را به نان نفروختیم و در فقیرترین روستاهای سیستان و بلوچستان به نان گفتیم نه، تا مبادا آزادی از دست برود، اما در این هوای آزادی و فرح بخش به فکر نان ما هم باشید. امنیت و صلح و آزادی تا همین جا به دست آمده است، آنچه می‌ماند غم نان است. نباید از صندوق ۴ سال بعد شما نماینده نان، پیروز عرصه رقابت‌ها شود.

آقای رئیس جمهوری! ما از پیشرفت‌های سیاسی جناح رقیب خوشحالیم واین را نیز سرمایه‌ای گرانقدر برای پیشبرد جامعه می‌دانیم. شما به زیبایی توصیف کردید که مردم زمان را پیش‌بردند و پیشرفت‌های رقیب نیز در همین پیشبردهای زمان و زمانه چشمگیر است. آنها وقتی در معرض انتخاب مردم قرار گرفتند، به موضوعات محفلی نپرداختند، از حرام بودن هنر و زیبایی نگفتند و از اینکه چگونه می‌شود مردم را با سیلی و لگد به بهشت راند و حال این راه نیز برگشتنی نیست. این انتخاب برای ما تنها انتخاب یک دولت نبود؛ انتخاب راه بود از بی‌راه. انتخابی که در آن گفتمان اقلیت نیز تصحیح شد. آقای رئیس جمهوری با این انتخاب همه ما تغییر کردیم.

> آقای رئیس‌جمهوری! هم شما و هم رقیب شما سطح مطالبات جامعه را بالا بردید. شما مطالبه آزادی و حقوق شهروندی و توسعه زیربنایی را و رقیب شما معیشت‌خواهی و مطالبه نان را و حالا پاسخ به هر دو سوی این معادله پیچیده بر عهده شماست



عکس: سجاد صفری / ایران

یک جدول با دو شرح

جدول روزنامه ایران دارای دو «شرح عادی و ویژه» است. در صورت تمایل به حل دو شرح ابتدا یکی از شرح‌ها را با مداد حل کرده و سپس با پاک کردن جواب شرح اول، به حل شرح دوم بپردازید.

۶۵۰۳

جدول عادی

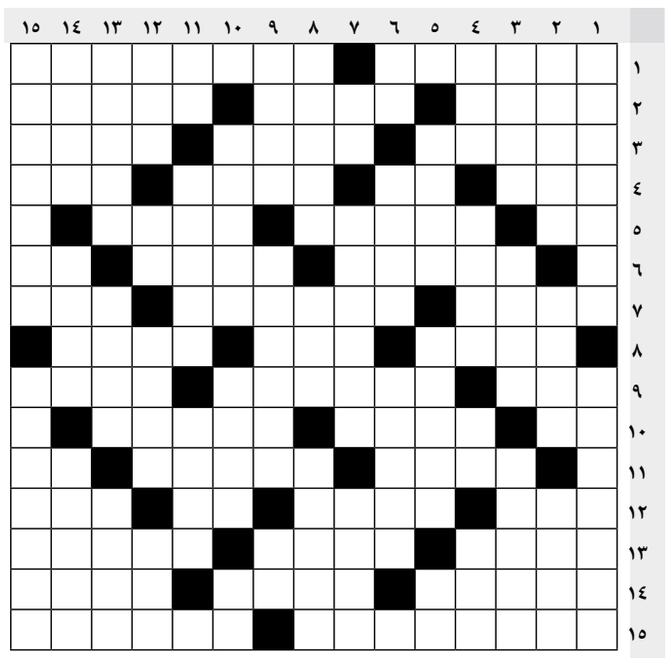
افقی:
۱- ظرفی برای طبخ غذا - یکی از رمان‌های برتر جهان نوشته ویکتور هوگو
۲- مهاجم نیجریه‌ای جدید پرسپولیس - تخته شیرجه - جمع وصیت
۳- خوراکی جویدنی - دستبافته سنتی ایران - سخن چین
۴- شیوه، منوال - اندک - پاندول - قلعه نظامی
۵- میوه خوب! - کارآموز پزشکی - روستای سرسبز و بسیار زیبا در شرقی‌ترین نقطه استان اردبیل و شهرستان نمین که با کشور جمهوری آذربایجان مرز مشترک دارد
۶- بانگ - خاتون - درون دهان
۷- گریه بلند - موجب تقویت توان - قورت دادن غذا
۸- قرابت - بالاترین نقطه - افسار و لگام اسب
۹- باطل کردن - ساخته و پرداخته - مقیاس طول برابر ۵۴/۲ سانتیمتر
۱۰- تصدیق عامی - برادر مادر - از عناصر بی‌رنگ گازی
۱۱- بهشت - خبرگزاری ایران - حرف زمین‌شوی
۱۲- واژه شگفتی - ماه نو - ویتامین مغز بادام - روان شده بر گونه‌ها
۱۳- شهری در فرانسه - الگو - نژاد روسی
۱۴- راهنمایی کردن - فطری - میوه‌ای در خدمت ترشی و مربا
۱۵- این چاشنی و غذا در مازندران بویژه شهر جویبار با کیفیت عالی تهیه می‌شود - مسیرتصمیم‌گیری

عمودی:
۱- اثری از داستایوفسکی - حالی کردن مطلب
۲- غصه - خبرگزاری رسمی ایتالیا - بلندمرتبه
۳- شادمان - واحد مسافت قدیمی - نامی برای خانم‌ها
۴- حرف عصایی - کج - ویتامین قارچ - مزه حقیقت
۵- اقامت - سرود و دوبیتی - حرف فاصله‌انداز
۶- ضربه سر فوتبالیست - یک گاز گلخانه‌ای که به عنوان سوخت به کار می‌رود - سازی زهی و آرشه‌ای از خانواده ویولن
۷- گندم - کار اصلی رادارها - مرکز فرهنگی، علمی، اقتصادی و اداری نروژ
۸- ترازنامه - شهری در آلمان - به کار زشتی واداشتن
۹- اسباب‌بازی قدیمی - پاک کردن غلات - نفس چاق
۱۰- سردسته خونخوار قوم مغول - گریزان - هالوژن نمک
۱۱- ضمیر بیگانه - بازی روشندلان - عروس هزار داماد
۱۲- فرع نیست - چیز - زبان برنامه‌نویسی - پرنده‌ای نوک‌دراز
۱۳- درد و مرض - نوعی طلاق - نام دخترانه
۱۴- ماه سریانی - وسیله خنک نگهدارنده - شباهت
۱۵- زودرنج - گیاهی طبی

جدول ویژه

افقی:
۱- نام ایزدیار بازیگر خانم فیلم سینمایی ویلایی‌ها (روی پرده سینما) - اثر ایووآندریچ
۲- میوه‌ای گرمسیری - با نقش آید - هرگونه آسیب جسمی یا روحی
۳- طرح‌های قانونی - متصدی نمایشگاه - جنگ در راه خدا
۴- زینت آدمی است - پژمردگی و افسردگی - فیلسوف سده نوزدهم - نماز در وقت معین
۵- ضمیر بیگانه - هر لحظه چیزی خواهد - بسیار خندان
۶- پوستین‌دوز - روحانی زرتشتی - صدای مرغابی
۷- همرزم گاندی - غذای ایرانی با تخم مرغ و کوفته - مقعر
۸- تکنولوژی جدید قرن - قایق کوچک چوبی که با پارو رانده می‌شود - آواز نیکو
۹- جود - شهری در استان سیستان و بلوچستان - شمشیرزن
۱۰- حرف ندا - نیرو - جرثومه
۱۱- سرشت - ساقه بعضی از گیاه‌ها - تعجب زنانه
۱۲- دانه نهانزا - سمند جدید - واحد مساحت - اشاره به نزدیک
۱۳- سازی قدیمی شبیه تار - سربازی که در نیروی دریایی خدمت می‌کند - فیلمی از استنلی کوبریک
۱۴- با عقیده واحد - عظیم‌ترین پستاندار دریایی - چرم براق
۱۵- فیلمی کمدی به کارگردانی حمیدرضا صلاحمند - قند جوانه‌جو

عمودی:
۱- وسیع‌ترین استان فیلیپین - پروتئین اصلی در اتصالات دسموزوم سلولی
۲- یکی از جوایز ادبی - شاه فرانسه - شل
۳- ویران - پارسنگ ترازو - نوشتن
۴- بازداشتن از انجام کار ناشایست - نوعی ناهنجاری کروموزومی - آخر - گشاده
۵- فلسفه و علت - اندیشه شیطانی - پول سامورایی‌ها
۶- همسر مرد - پارگی جزئی فرش - از عناصر بی‌رنگ گازی
۷- هر یک از اخلاط چهارگانه - سرحددار - گل همیشه بهار
۸- قضاوت - سطل آبکشی - نقاش امپرسیونیست پرآوازه فرانسوی
۹- هاله ماه - از علوم پزشکی - دلیر
۱۰- از بین رفته - عقیم - اثر خیسی
۱۱- از اختلالات نادر پسرفت رشد نوزادان که ناشی از مشکلات رشد مغزی است - نظریه انیشتین - با زد آید
۱۲- هزینه - اسم آذری - تهمتن - یک توپ پارچه
۱۳- پندارها - اسم محترمانه غیر از اسم اصلی - دارالخلد
۱۴- سمبل - شخصی است که در پزشکی زایمان تبحر دارد - خدای هندی
۱۵- اسب ناپلئون - میزان (درصد) معافیت شخص بیمه شده از پرداخت هزینه خدمات بیمه



حل جدول عادی شماره ۶۵۰۲



حل جدول ویژه شماره ۶۵۰۲

